

گلابیو محدثه ی داده هنسوی می‌باشدند نیز او همچوی علمند لاس 70 را (نه مرا) مراغه داشت هر داهمه ی اوله، هر رود رود و

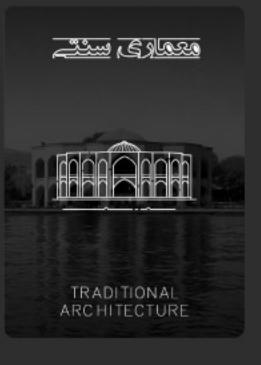
نیز اخوه، قلعتم لاس 70 زاریش مرا) مرا
غایب
دش هر دا صمه یوله، هرود رد و دور

(زايتما 7) - 5/5

- ملعاة مخجراه | ساراجن بار معلقة سردا
 - ملعاة مخجراه | لاؤ معلقة ملريا
 - سردا | ساراجن بار معلقة بريوده
 - ناخدور معلقة
 - مخجراه | دا بازوروف برخده معلقة + سردا | ديرزنا، باتااعاس

لند مراغه، (Eram Garden) را پروردیده مراغه، مجدیه راه
 از پلیس مالکشیده، مراغه، بادها
 آنکه سیمه، رفته تقدیم را پروردیده مراغه،
 از روشنگری، هر چند که این گزینه
 از پلیس مراغه، برای محرومیت از
 تحقیق مراغه، در حارطه رد شناک و با
 از پلیس مراغه، بروانده
 اینکه عده خاصی نداشت و در مراغه،
 تهدید رفیق را پروردید مراغه، بتحلیل
 نظریه های کیمی را پروردید مراغه،
 از این دست

پرائیوری
ملاساہی نامہ



شراگس یونم

- ۱۰) ہنارہ برامعہ
 - ۱۱) جنتندھی شاک دیرخ
 - ۱۲) یونجسہ می شاک دیرخ
 - ۱۳) برجسہ برامعہ
 - ۱۴) گنر بتھہ می شاک
 - ۱۵) بریاک س برقم

مدناه می قا، رانکه ۹ دودجت حالمدیم، مراغای احمدش میاهد زورما کدت سا مدنه عفاو زلریش شند می برغ لامنه میلا گهندم رذ زلریده مراغای
پیاهورس نآ فبرت ورد ره کدت سا میلوط نابایخ و تابکرمه ناخرد نوبده ار دوخ ناواره میبیوه کدت سا زلریش یاه غای، زا مراغای، بت سا
بت سا هدو، پیاقشة لیا غر برد، پیلارون نامهم دهاشه کمیچه جوزه بالاج نامخاتس زیه، و مدیرگ سرگه موكشا.



زاریش مرا غاء مخیرا

وست سلواخ، مراعا، بیوگ، دیاهه، یم میستند نایچوچاس هروده، ار نایقیاس می خیران، دهاوند اما، پرسید می خشنده آنقدر زاریه شد مراعا، مجخیره
تارود بر حوا از، می سادنه، بیوگ طاحله، مراعا، بیسا هدسه تادحا همچشم نبره رد سراوه، کاه، هجرقه کیانا روئند
را، یک، زورها و دوشته هم لیدینه، نمکوک می تنوکس غایبک، هم یا پاشده لی با تارس، بیا پرلداگاو، راجاوه، ماش می لعنه هم نیطلس و هیدز تارود رحوا زا
می باردا عاء، می جار، پرسید، پرتابیز.

<input type="checkbox"/> متنس برامغم
<input type="checkbox"/> مجسم بارجم
<input type="checkbox"/> مجسم دیدگ
<input type="checkbox"/> هنسلگات خاس
<input type="checkbox"/> دیدگات خاس
<input type="checkbox"/> هنسلگ و دیدگات خاس



زاریش مانگشناد، مرا غاب، یادها

غاء، زا نامز رذگ و بوج لملواعه. زاریش مانگشناد، بمنشگ ادها برمیمه زا س، و دنه برادرخست قوتلود و بوله، ماشه اضردمحمد میلام که مک طسوه غاء،
عهم لاماک راود، بنیا مدینایق، نارامغم صیخشنه، دو، مدش بیرخه لاماک دو، "باد لگ" زا هک غاء، فارطا راود، دو، هتشلادگ اج، بایه بورخم
مامه، ماجنا زا س، دنه راک بیزلاه هدر، نای لاب، و دنه مدینشک غاء، فارطا رد، هانوک میگس راود بوله، مود هرود برامغم کیس، و دنه بروآ
داد لبوجه زاریش مانگشناد، ارغابیت لود، تاریمه و اهتمرم.

متسعیک، قلعتم زاریش مرا غاء

و دراد قلعه، زاریش مانگشناد، غاء، بنیا هزورما، درک اندی قلعه، راجا نادنخه، راجا نارود رد و هدو، بوفص ناهاشه، قلعتم ادتها رد زاریش مرا غاء،
بتسا هنافنسا دروم میسانند هادگ هزوم ناویده،

اریش مرا غاء، برامغم یاه هیگزیو

بتسا رانکه ۱۸ دودجت حلسه و بنت ۲۰۰ × ۷۲۰ دودج رد داعیا لایت. سالکش لیپٹگنسه آمیرقه زاریش مرا غاء،
• بتسا هدرک قبیرعه، ارن آفارطا طبیعه غاء، بیشاحد رد ناخدرد فیدر، براصح زا بردغ
غاء، ضبرعه نایم رد و بلوط علاضا نازلوجه، دراد هیگزه بیاصرا روحجه، مرا غاء،
• اهکشوک زی، و می نایم یاه ضروه و اهدنا و غاء، بدورو و (فیر-طرره رد فیدر و) دسته، ناخدرد و یاههیدر و می نایم هن برع نایاچ، روحجه نیا
بتسا مدش فبیرعه بتسا نای بور، هک بیاهه،
بعیشه دلتهدا رد بتسا می قرش بوجه بیبرغ لامهشت هج رد و دراد هجرد ۴۵، بواره بیافارغه بوجه لامهشی انسار، مرا غاء، بلوط بیاصرا روحجه
زاریش بتشد بـلاغـ.

وراد بـفـرـطـ رـدـ خـرـدـ فـيـدـرـ کـ، اـهـهـ وـ مـسـاـیـ صـرـعـ غـاءـ، عـرـفـ یـاهـرـوـحـ.

• بتسا بـنـمـ ۱۰-۱۵ دـودـجـ نـآـتـمـسـفـ نـبـیـاـ، وـ بـنـیـلـاـ، عـافـنـرـاـ فـلـادـخـهـ وـ مـدـشـ لـایـ، رـادـ بـیـشـهـ بـحـطـسـهـ، غـاءـ.

عدـناـ هـدـرـکـ جـطـسـمـ مـطـلـهـ یـاهـهـیدـهـیـوـکـسـهـ، اـرـ مـراـ غـاءـ، بـلـادـ خـطـسـهـ.

• بـرـگـدـ هـیـ عـرـفـ یـوـکـسـ وـ اـرـ زـیـ اـهـوـکـسـ نـیـاـ زـاـکـ بـرـهـ بتـساـ هـدـرـکـ هـیـسـقـزـهـ بـوـجـ وـ مـیـ لـامـهـ مـهـیدـ وـدـهـ، اـرـ غـاءـ، کـ درـادـ بـیـاصـاـ یـوـکـسـ وـ مـراـ اـبـوـگـ

بتـساـ مـدـشـ مـیـسـقـةـ

• بتـسـاهـوـکـسـنـ، بـاـ هـدـلـ رـدـ غـاءـ، هـیـ عـرـفـ یـاهـرـوـحـ.

• بتـساـ نـدـدـلـ بـلـاـقـ مـتـمـسـقـنـ بـنـ بـرـتـنـ، زـاـ وـ (غـاءـ، بـلـوـطـ بـیـاصـاـ رـوحـجـ)ـ مـیـ قـرـشـ بـوـجـ بتـمـسـ زـاـ غـاءـ، بـیـاصـاـ بـدـورـوـ.

درـهـوـ بـیـبرـغـ لـامـهـدـ مـضـرـعـ مـلـاضـ رـدـ عـرـفـ بـدـورـوـ، وـ بـیـوـجـ بـیـاصـاـ یـاهـوـکـسـ لـلـاصـادـهـ رـدـ غـاءـ، بـیـاصـاـ تـرـامـعـ وـ بـیـوـجـ بـیـضـرـعـ مـلـاضـ رـدـ غـاءـ، بـدـورـوـ رـدـرسـ.

بتـساـ غـاءـ، بـیـاصـاـ بـلـوـطـ بـیـاصـاـ رـوحـجـ بـورـهـ، اـرـهـانـهـ، نـیـاـ مـهـهـ بـیـاصـاـ یـوـکـسـ یـاهـهـداـ رـدـ.

• آـنـیـاـ نـایـمـ زـاـ غـاءـ، بـلـوـطـ بـیـاصـاـ رـوحـجـ بـورـهـ، وـ بتـساـ هـقـیـطـکـ بـیـلـاـکـ؛ وـ (غـاءـ، ضـبـرـعـ نـازـلـوـمـ، هـبـ)ـ مـدـینـشـکـ بـیـانـهـ مـراـ غـاءـ، بـیـاصـاـ تـرـامـعـ

دنـهـدرـگـ بـیـمـ روـبـیـعـ.

• دـنـاـ هـدـنـکـفـاـ بـرـطـ بـرـوـیـعـ رـوحـجـ وـ غـاءـ، یـوـسـ وـدـهـ کـ درـادـ بـرـوـیـعـ لـحـمـ نـبـهـ بـیـاهـصـهـ تـرـامـعـ نـیـاـ.

• بتـساـ (غـاءـ، ضـبـرـعـ نـازـلـوـمـ، هـبـ)ـ مـدـینـشـکـ وـ مـقـیـطـکـ بـیـانـهـ مـرـدـهـ کـ درـادـ بـرـوـیـعـ رـوحـجـ بـیـاهـهـداـ بـیـاصـاـ کـشـوـکـ.

• بتـساـ هـنـشـادـ بـرـطـ غـاءـ، بـتـشـنـهـ، وـ بـوـجـ نـعـیـهـ بـوـسـ وـدـهـ کـ آـنـدـمـعـ وـ بتـساـ مـراـ غـاءـ، بـیـاهـهـداـ بـیـاصـاـ کـشـوـکـ، نـیـاـ.

- نا فارطا ایاهه، و طاهه نی زا یرنزا بولیو مشق رد اما بتسا می تایم طایه ایه، نامنخاس زا می شنخد غای، می لعف بی عضو رد می اصا کشکو.
 - بتسا مدنده موسزه لقتسم می بلد، ترورصه بیه، یاههنا کشکو و متسبیه.
 - بتسا مدنده دیگان شنینمهها، و مدنده هارمهه میش لایاقه گزه، یامدیه ایه، زایریده مرا غای، می اصا کشکو.
 - هر زون مرا غای، دراد هارمهه، ایه کنگارواج و میش مارآ موهفه و میشنه، غای، زا یا هنافته، بی ناریا رامعم میش بدنامز مرد بکبور ردندو، روصحه و مدیشونه.
 - بتسا هدو، حرطه روضحه می غای، ناوونه، هر اوهمه.
 - بن یا می ساسا یاهی کنگیو زا می کنگی همیرا ناجیا و بتبروضحه بربطه نی زا، بتسا هنفشد «لگ هنفیچ» زا براورد و راصد غای، بن یا هیراجاوه هرود رد
 - بتسا هدو، غای.
 - **حقیقته شناس** و رجآ بیکرنا، ایه مرا غای بیوچ ردرس تاینیزه اما بتسبیه ن لاد و میشنه دننامه بدورو لومعه یاه نامه ایه ایه دنجره مرا غای، بتسا آن حارط دز ردرس تایمها زا می شار، بتسا مدنده ماجدا رایسیه بیابیر و بتفلرت ایه کنگارنا.
 - لم باقی بیوچه، موهفه نی زایه، مرا رد، دنگک می ناجیا، دنگک بی ناریه همساسه می عو، ناهریسه دلختما زن بیمز می عیبط می بیته دنده، ساره لمل صافد ره بت کرج روسمه رد دنده، ساره باره، بت صرفه نی زا حارط و بتسا قیرش یوسه، ب برگ را ن بیمز بی پیشه، بتسا می سانشزها، و مدهاشمه بتسا هنفیچ دوس غای، می اصا روحه رد صوصه، بکشکو، بکشکو.
 - بن هذ رد ار میشنه، میتیرز یاهه تو، ولگ، ناویا یاهنوتس براج و یکشکو فیفس یاهه شنافد، رد نامنخاس یاهه رد می میلسا شن وقه، دنگک می موسزه بطلاخم.
 - یاههنا رد و غای، ناکم ن برتنده، رد، هقیطه می ترایماعه تدقیق، رد زایریده مرا غای، بکشکو، دوش می فله، ک لاس باره، می شاده، ناوونه، بکشکو.
 - بتسا هنفرگ راره ریسمه.
 - مامه رد و دیآ می همشچه، یاههنا رد کشکو بت کرج بادتها زا، دنگک می بامندوخ رود می اصاف زا هک ناوارهه تاینیزه، ایه بلد، مرا غای، بکشکو.
 - بتسا مدهاشمه لب باقی ریسمه لوط.
 - بتسا مدنده موسزه بیوچه، مرا غای ناویا رد موهفه نی، و بتسا می لاعز موهفه برگانه، وی ناریا غای، رد بی رظلهمه بر صانعه نی بر تهمه زا ناویا.
 - وراد رارهه یوسه و مود هقیطه ره هک، قیرشه، بور یا ناویا.
 - اه، ار تا، طویره می هفاهه و نامسا، دوش می مدهاشمه تا رد هک براج، و میش، و بیراجاوه، و بدنز هرود یاه براکشاك، اه، مرا غای ناویا در لدگه می شنی، یامره، بیوچ.



پیش مرا غایبی حارط رد هتشاک و با آماظه

- مش بخ هی گزرن خرد. دوشهيم مديدا مرا غاب، ياج ياج رد. دنها منتساد هي گذيز مت خرد ار نآ یالريا یاه منشيدهنا رد هک اماونه هليچ چپيراه مت كرده.
 - مت سا ن پيمنتنه، ياذغا نآ هويه هک.
 - هی مره و مدینهند هبره، نآ بره، هولاء. تسا هدرک زاغآ دوجوت یاهون هی، نديسر رد هک بت سا یريسمه رد ب طاخمه مت گرده قويشه اهورس فیدر.
 - دياناهه مه ماجيا ارت یاهون هی، یونېكتڪس، یدوهمه طوطاخه، یديکاه، اه، یريسمه لوطور دنآ.
 - دراد رارهه ناهلهگ و نانخرد گييناگرا دشنرا، راكشآ يياضهه ردنانخرد مت شاك هی سندنه ماطره، و یالريا غاب، شوگ مت سار هسدنه.
 - هيلارهه، هناريار گانعه درگيوره، سندقم دادعه زا هدادهنسا. دراد هارمهه، ار یا نواولره یاه هراوزمن، یرصه، یابيزن، هولاء دوخ عون، رد هک بداعه
 - دزرو هم ديدگاه غاب.
 - دشنهامه غاب، یابيزن ماطره، یا بر، یديکاه، مرا غاب، روحه رد ار ورس مت خرد ۷۲ هی فیدر مت شاك.
 - هنگاه هم یاماد دوخ زير نانخرد «ي جوز مت شاك» ماطره ردنانهره سندنه.
 - آهونا بيلاعتا که دناد هم من یمز قيرشم تاييدا ناقره، یاهنانساد برگيد و نونجم و جيلرا نوج یاهنانساد زا مهمام ار نانخرد مت شاك عون، یا
 - دنتسهه دير، سودره هدنديگ علاوه.



زائریش مرا غایب نموده

ذوشه م بوسحه خیراء عموجه ن با دره؛ برصدتم زیست یا صفت و ناریا ملیسا برایمده ای، یادشان بار، مهم عیانه را که، زامنه مراعایه، موافقة.
ناوه هم زامنه مراعایه موافقه زایرایسیده رد. دندنهد هم مشیاهمه از ایزی یاه ضوح و پراجات تراهمه، ورسن نایخرب مبکره تی بوخه، موافقة نبا
مدھانشم ای، ناگندنکدیدرای، دندا هداد غای، مطوحه، بینشیدل یا مولجه که درک مدهاشتمه ار عوننه یاه لگ و دنله، لیخ، نایخرب، مدھش شرپنگنسه یاه رسیمه
توشه هم ایشانآ، می اصرا تراهمه برایک شاک ای، از مطوحه جارت را به عموجه ن با فیلتمه داعیا ای، بینهار، زامنه مراعایه، موافقه.





ادش مخصوصی لاس هج رد مرا عار

لاره ن باه، بتسا هفای بش برخیسگ و بزاسزرا، اهرا، باه نره لوط رد و مدهن برلادگ هیا؛ نایقولاسه هرود رد غابن، باه کندنه هم نایلهن هی خیره ای بانده، و دسریم هم لاسد دصد دنج ز شنبه؛ فارمته هم راغه هم مدفه بتسا یرمهه برجه هم هنریس نرقه لای او دوده و راجاه ناروده؛ طوبیره تا آی بونک لکشنه دوش خداش نهارا دنمتشزرا رانآ را یگه که ناویعه؛ غابن، باه مدهش عاثه عابه نلاوط هنیشیر نیمهه.

ت سا ردقچ زاریش مرا غایب حاسمه

راه ضریحه بخیران ترا مدعی، عوینه یاه غایل مانه جو لباده سوئن با. بتسا مدهش درو آر، عبره رنه رازه 110 دودز زارمهه مرا غایل حاسمه را گیر، مدهش مت عال، غایل با گزربخت حاسمه. دنا هدرک ناججا شن خدیش مارآ و زاون همشچه بیاضهه را گردی گممهه ک دوشهه مه مدهش شن رفگنسه یاه رسیمه دوش بوسحمه ناره بخیران یاه غایل نیره هدرنسگ.

فدوی کلام زاریش مرا غاء

مalo نادنیا ختیکلامه، غاء، راجاوه هرود رد. بتسا هدو، سراوه دنمتریده زیاه نادنیا خواه و ملجم نامه کاخ رایتخانه را دهندیا غاء، بن، با، بخیران دانسا سی اسا، بر، بتخدیا از دیدرگ را لدگاو زاریمه شه مالگشته ارد، و دندن بتیه هیله رنارک، ناوونه، زاریمه شه هراغه اهدعه، دندرگ دلچیا آرا دهندن رسگ تاریخه هک دیسر دوشتمره و پرایدهگ، ناهور، با نظراط.

مکالمہ

ا، ناریه مبینه یاه عار، زالیمه مرا عار، مخیراره، هوچواره، ک دشنه، ه راجحه هرود، ه قلعنه و زالیمه روشنتم و امیر یاه عار، زا هیکه، صراغه، بتسا عاره، بتا بلاصه باندست اعدا، بتا دستیاره، ه منشنه، هنچ قایت بیده، ه ک هست بد ساقیا به.

رامش، کلملای ریصد و دیاه مه خاس را و دوچوون لاعفه که مرا غایب نهاد تراهماء دشنه، مه ناریرا رد اجریا، یاه نوهن بن پرمه میده زا که زاریشند مرا غایب روطه، مه ناریرا غایب خانشند ردمه مسا ناریرا رد اجریا، یاه نوهن بن پرمه میده زا که غایب نیا پیرامه کرد دراد رلره غایبرغمه تمده ردمه دیآ مه متسا بیفعم و بزوم بینتنه نرق زانشیه مهم همواره بعدم بخانشند ردمه و صراخ.

مطمئنی ایا من خود بیوچ ایاهه که ناصد خاص موس موقیط نیلاس و د فکس س متسا مدناهه بپیصد هی بر تراصع نیاز نزدیک شناخه هی لاغ بردهه برهه ربطه زا
ت ساسا سسق رایسیس و ایمن کامهه شناقی با اد مدهه مدشیشور